

# حمایت کیفری از تمامیت معنوی حقوق کودک در فقه امامیه و تطبیق آن با قوانین کیفری

محمد حسن قاسمی<sup>۱</sup>

سید ابوالقاسم حسینی زیدی<sup>۲</sup>

علی ریحانی چمن آباد<sup>۳</sup>

The Criminal Protection for Spiritual Integrity of Child in Jurisprudence and Judicial System of Iran [English] عنوان مقاله

Children have an important role in organizing and directing the community and defining its goals, and a positive intuition to them depends on their full enjoyment of their childhood rights. Therefore, it is essential for the community to have familiarity with the judicial and legal rights of the child and act based on these rights [English] چکیده

This study, in problem-solving style, with a descriptive-analytical approach and library research method, states that: there are some widely discussed and debated issues in Islamic jurisprudence and law that regards the criminal protection for children's spiritual rights. Matters like abusing children for beggary, drug issues, sexual abuse including adultery, sodomy, marriage, defamation, and issues related to crimes against the child's identity, including kidnapping and abandoning the child. Although in case of some new matters such as the refusal to declare the birth of a child, children trafficking, the forced labor of the child, there are not judicial logical debates but in judicial system of Iran, a practical guarantee has been applied

criminal protection, child, jurisprudence, the judicial system of Iran, spiritual rights [English] کلیدواژه‌ها

**چکیده:** کودکان نقش اساسی در سازمان‌دهی و هدایت جامعه و تعیین اهداف آن را به عهده دارند و نگاه مثبت به ایشان در گرو برخورداری از حقوق دوران کودکی آنها به نحو کامل می‌باشد و از این رو ضروری است که آحاد جامعه با حقوق شرعی و قانونی کودک آشنا باشند و سپس به آن عمل کنند.

در پژوهش حاضر به سبک مسأله محور، با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی، بیان شده است که: در مورد حمایت کیفری از حقوق معنوی کودک در فقه و حقوق اسلامی در مسائلی مانند سوء استفاده از کودکان برای تکدی‌گری، مسائل مربوط به جرایم مواد مخدر، سوء استفاده جنسی از کودکان - اعم از زنا، لواط، ازدواج و قذف - و جرایم علیه هویت کودک - اعم از اختفاء، بودن و رها کردن کودک - مباحث گسترده و حمایت‌های کیفری فراوانی

۱. استادیار گروه فقه و اصول دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (نویسنده مسئول) [ghasemi@razavi.ac.ir](mailto:ghasemi@razavi.ac.ir)

۲. استادیار گروه فقه و اصول دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس [Abolghasem.6558@yahoo.com](mailto:Abolghasem.6558@yahoo.com)

۳. کارشناس ارشد رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس [ali.reyhani69@yahoo.com](mailto:ali.reyhani69@yahoo.com)

صورت گرفته است؛ البته در مورد برخی از امور مانند عدم اعلام واقعه ولادت کودک، قاچاق کودکان، کار اجباری کودک به دلیل آن که از مسائل مستحدثه می باشد، بحث فقهی استدلالی صورت نگرفته ولی در حقوق ایران، ضمانت اجرایی برای آن قرار داده شده است.

## کلید واژگان: حمایت کیفری، کودک، فقه، حقوق ایران، حقوق معنوی.

### مقدمه

کودکان در مقابل بزه دیدگی آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند به همین خاطر نسبت به بزرگسالان باید از حمایت بیشتری برخوردار باشند؛ کودکان نقش اصلی در سازمان دهی و هدایت جامعه فردا و تعیین اهداف آن را به عهده دارند؛ بنابراین کودکان سالم و شایسته تر، جامعه ای پرنشاط و کم تنش را نوید خواهد داد. نگاه مثبت او به جامعه در گرو برخورداری او از حقوق دوران کودکی او به نحو کامل می باشد و از این رو ضروری است که آحاد جامعه با حقوق شرعی و قانونی کودک آشنا باشند و سپس به آن عمل کنند.

اما با این وجود آمارها نشان می دهد که میزان اعمال جنایی علیه کودکان در دنیا افزایش یافته است؛ در فقه اسلامی و هم چنین نظام حقوقی ایران از قبیل قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در زمینه حمایت کیفری از حقوق کودک بحث شده است و کودکانی که مورد بزه دیدگی ناشی از جرایمی مانند قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، بهره کشی، سوء استفاده جنسی و ... بودند را مورد حمایت قرار داده است.<sup>۱</sup>

در این جستار برآنیم تا با استفاده از آیات، روایات، آراء فقهاء و قوانین موجود اعم از قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و ... جرایم علیه کودکان و حمایت های موجود در فقه و حقوق ایران را در مورد تمامیت حقوق معنوی کودک - در مقابل حقوق جسمانی کودک، که توضیح آن خواهد آمد - واکاوی نموده و بیان نماییم که از نظر فقهی و حقوقی چه شباهت ها و چه تفاوت هایی در این زمینه وجود دارد.<sup>۲</sup>

---

۱. در مورد حمایت از حقوق کودک - به صورت کلی - کارهایی انجام گرفته است، اما در خصوص حمایت کیفری از حقوق کودک در برخی از پژوهش ها به صورت حقوقی بحث شده است ولی بحث فقهی در این زمینه یافت نشد.

۲. به دلیل بالا بودن حجم مطالب در مورد حقوق معنوی کودک در فقه و حقوق ایران، بحث کلیات به صورت مختصر بیان شده و بیشتر به اصل موضوع پرداخته شده است.

## ۱. کلیات

### ۱-۱. مفهوم شناسی

در این بخش مفاهیم بنیادین از قبیل حمایت کیفری، کودک، فقه و حقوق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱-۱. حمایت کیفری

«حمایت» واژه عربی است که با حفظ معنای اصلی خود به زبان فارسی راه یافته است و معادل‌های فارسی حمایت عبارت‌اند از: «نگهداری کردن و دفاع از کسی، پشتیبانی کردن و نگهداری» (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۷۲) حمایت در اصطلاح به هر گونه تمهیدات و مقدمات برای پاسداری از حقوق مختلفه اطفال ذی‌حق و نیز اعاده حقوق از دست رفته آن‌ها اطلاق می‌گردد. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۷)

کیفر در لغت به معنای «مکافات بدی» و هم‌چنین به معنای «مکافات نیکی و بدی» و به زبان عربی «جزاء» خوانند. (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ص ۴۷۵) در اصطلاح حقوقی نیز به پاداش یا کیفر عملی که قانون متضمن اجرای آن است، اطلاق می‌شود. (جُر، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۴۰)

#### ۱-۱-۲. کودک

در قرآن کریم، روایات و متون فقهی، کلماتی هم‌چون طفل، صبی و صغیر معادل کلمه کودک می‌باشند؛ کودک در لغت به چند معنا آمده است: کوچک، صغیر، طفل و بچه؛ (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۴۰، ص ۳۱۶؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۱۱۷) در مورد معنای طفل آمده است: به فرد ما بین تولد تا زمانی که محتمل شود طفل می‌گویند. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۴۱۱)

در کتاب مفردات در مورد صغر آمده است: الصَّغَرُ و الكِبَرُ از اسامی متضادی است که با در نظر گرفتن بعضی به بعضی دیگر به کار می‌رود (از امور نسبی است نه مطلق) مثلاً چیزی در کنار چیز دیگر کوچک است و در کنار چیز دیگر بزرگ؛ صغیر و کبیر گاهی به اعتبار زمان است مثلاً می‌گویند: «فلان صغیر» و «فلان کبیر» وقتی که سن یکی به اعتبار سن دیگری کمتر باشد و گاهی کوچکی و بزرگی به اعتبار جسم است و زمانی هم به اعتبار قدر و منزلت. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۰۰؛ و نیز ر ک: زبیدی، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۴)

در اصطلاح فقه<sup>۱</sup> و حقوق، شخصی که به سن بلوغ نرسیده باشد به عنوان طفل شناخته می‌شود چه این که بلوغ اصطلاحاً به ادراک و رسیدن به مرحله معینی از رشد جسمی و روانی اطلاق می‌گردد. (خمینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۰؛ بیگی، ۱۳۸۴، ص ۵۲؛ صفایی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۴)

### ۱-۱-۳. فقه

فقه در لغت به معنای ادراک شیء و فهم آن آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۴۲) و حتی برخی از اهل لغت اظهار داشته‌اند که اختصاص به علم شریعت دارد و عالم به آن فقیه نامیده می‌شود. (جوهری، ۱۴۲۸، ص ۸۱۸) و در اصطلاح علم به احکام شرعی از ادله تفصیلی آن است حال چه احکام تکلیفی باشد چه وضعی. (ر ک: محقق کرکی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۵؛ فاضل آبی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۶)

### ۱-۱-۴. حقوق

کلمه حق در لغت به آن اطلاق می‌شود که آن کار ثابت شده و تحقق پذیرد که در مقابل و نقیض باطل به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۹؛ فراهیدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۹) راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد: اصل حق مطابقت و یکسانی و درستی است مثل مطابقت پایه درب در حالی که در پاشنه خود با استواری و درستی می‌چرخد و می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۳۸) حق در فارسی نیز معانی متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است: راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال. (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۱۸، ص ۷۳۷)

حق در اصطلاح فقهاء به معنای سلطه و توانایی است که برای صاحب حق جعل شده است (ر ک: آل بحرالعلوم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳؛ نائینی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶؛ حکیم، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۵۵۷) و در لسان حقوق، اقتدار و سلطه و امتیازی است که برای شخص اعتبار شده و دیگران مکلف به رعایت آن هستند، مثل حق مالکیت، حق زوجیت، حق ابوت، حق اکتشاف. (ر ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۶۶۹) بنابراین حق در اصطلاح فقهاء و حقوق‌دانان تعاریف تقریباً مشابهی دارد.<sup>۲</sup>

---

۱ در فقه صغیر به ممیز و یا غیر ممیز تقسیم می‌شود که در تمیز بین این دو اختلافاتی وجود دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۳۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۳۱؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۵۵) که علت اختلاف نظر در این مسأله روایاتی است که در تعیین سن کودک ممیز وجود دارد. (ر ک: شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۸ و ج ۲۲، ص ۷۹)

۲. حق به اعتبار متعلق خود دارای اقسام متفاوتی است (ر ک: انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۷۰۵) و با حکم تفاوت‌هایی دارد (ر ک: حکیم، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۵۵۳؛ آل بحر العلوم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳؛ وزیری، ۱۳۸۴، ص ۱۸؛ امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴) که از حوصله این جستار خارج است.

## ۲. حمایت کیفری نسبت به تمامیت معنوی کودک در فقه و حقوق

منظور از جرایم علیه تمامیت جسمانی، رفتارهایی هستند که موضوع آن‌ها جسم افراد است، جرایمی که حق انسان و اصل مصونیت جسم او از تعدی و تعرض را هدف قرار می‌دهند؛ تعرض به تمامیت جسمانی افراد، گاه منتهی به مرگ آن‌ها می‌شود که سنگین‌ترین نتیجه مجرمانه است و گاه نیز نتایج خفیف‌تری را به صورت ضرب و جرح و قطع عضو یا زایل شدن منافع آن را در پی دارد.

همان گونه که برخی از جرایم، موجب مخاطره نسبت به تمامیت جسمانی کودکان می‌گردد، بعضی از جرایم نیز تمامیت معنوی و اخلاقی کودک را به خطر می‌اندازد و موجب صدمه و ضررهای جبران‌ناپذیری می‌شود. جرایم ارتكابی علیه تمامیت معنوی کودک می‌تواند آزادی کودک را تهدید یا هویت و حیثیت کودک را دچار خدشه نمایند.

### ۲-۱. حمایت از بزه‌دیدگی کودکان در قبال سوء استفاده از آنان برای تکدی‌گری

تکدی‌گری در لغت به معنای حاجت‌خواهی از این و آن در کوی و برزن، گدایی، صدقه‌خواستن، درپوزگی و درویشی می‌باشد (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۴، ص ۶۰۴۸) و به معنای نادر و بینوا و کسی که وجه معاش خود را به رایگان از دیگران طلب می‌کند، آمده است. (عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۱۲۳۶)

پدیده تکدی‌گری از جمله مباحث مهم مطالعات جامعه‌شناختی است، که با ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه در ارتباط است. وجود تعداد زیادی از افراد که به صورت اجباری یا به طور سازماندهی شده، دست به تکدی‌گری می‌زنند، چهره ناراحت‌کننده‌ای به شهرهای کوچک و بزرگ داده که در طی سال‌های اخیر، رشد قابل توجهی داشته است. درآمد نسبتاً آسان و قابل توجه باعث شده افرادی، عده‌ای را سازماندهی کنند و از این راه تأمین معیشت نمایند. (موسوی، ۱۳۹۰، ص ۵۴)

تکدی‌گری در جهان کنونی به صورت یک سنت درآمدی است و به صورت اجاره دادن و اجاره کردن درآمدی است به گونه‌ای که اجاره‌دهندگان معمولاً والدین معتادی هستند که از نظر معیشتی وضعیت مناسبی نداشته و حتی توانایی تکدی‌گری را ندارند و اجاره‌کنندگان افرادی هستند که دنبال سود و درآمد بالایی هستند و مورد اجاره کودکان مظلوم و بی‌دفاعی هستند که اصلاً قدرت دفاع از خود را ندارند و کاملاً در معرض بزه‌دیدگی می‌باشند و در صورت عدم انجام وظایف خود با برخورد شدید اجاره‌کنندگان مواجه می‌شود و هم‌چنین از نظر روحی و جسمی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. (ر ک: بیگی ۱۳۸۴، ص ۹۷؛ شامبیاتی، ۱۳۸۹، ص ۹)

فقهاء در بحث از شرایط مستحقین زکات به صورت مختصر به حکم تکدی‌گری اشاره نموده‌اند که بر اساس آراء ایشان صدقه برای افراد مستحق است و برای کسی که توانایی کسب و کار دارد درخواست کمک مالی از دیگران حرام است. (ر ک: شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۲۴۱؛ شهید اول، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ص ۵۷؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۰۶) شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد: «توانایی بر انجام کار به منزله داشتن مال است؛ بنابراین برای کسی که برای تأمین معیشت خود و کسانی که

واجب النفقه او محسوب می‌شوند قادر به انجام کسب و کار باشد، درخواست صدقه نمودن و کمک مالی خواستن از دیگران (تکدی‌گری)، حرام است و قبول زکات هم برای او حرام می‌باشد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۳۰)

مستند این حکم روایاتی در حد استفاضه است (ر ک: حر عاملی ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۲۳۳) برای نمونه زراره از امام صادق «علیه‌السلام» نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «همانا صدقه به شاغل و برای فرد سالم و قوی حلال نیست، از این افراد صدقه را باز دارید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۶۰)

اما عناصر تشکیل‌دهنده جرم تکدی‌گری برای کودکان و حمایت‌های قانونی‌ای که قانون‌گذار برای این گونه اطفال قرار داده است، عبارتند از:

۱. عنصر قانونی: ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد، به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد» نکته مهم آن که جرم بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف مندرج در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ با توجه به محصور نمودن آن به جرایم خاص، دارای وجه مشترک با جرم بهره‌گیری از کودکان برای تکدی موضوع ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی است. (اسدی، ۱۳۸۲، ص ۹۷)

۲. عنصر مادی: عنصر مادی جرم ذکر شده در ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده» مصوب ۱۳۷۵ را می‌توان تحت سه جزء ذیل برشمرد: وسیله قرار دادن غیر رشید برای تکدی (استفاده از غیر رشید برای تکدی)، گماردن افرادی به تکدی، وسیله قرار دادن طفل برای تکدی (استفاده از طفل برای تکدی) و لذا عنصر مادی این جرم این است که باید طفلی وجود داشته باشد که مورد تکدی قرار گیرد و به عنوان وسیله برای تکدی قرار گیرد. (ر ک: بیگی، ۱۳۸۴، ص ۹۹)

۳. عنصر معنوی: عنصر معنوی این جرم سوء نیت عام است که استفاده از اطفال برای تکدی‌گری است و قصد استیفاء نامشروع (کسب مال از طریق اطفال) به عنوان سوء نیت خاص شرط تحقق این بزه نیست و لذا اگر به قصد کمک به مستمندان، والدین و سرپرستان قانونی اطفال یا اشخاص بیگانه‌ای، اطفال را برای تکدی‌گری مورد استفاده قرار دهند باز هم مشمول این ماده خواهند بود.

## ۲-۲. حمایت از بزه‌دیدگی کودکان در جرایم مواد مخدر

مخدر در لغت یعنی بی‌حس و سست کننده اندام و مخدرات یعنی ادویه که بی‌خوابی و سستی اندام آرد و چیزهایی که اعضای آدمی را بی‌حرکت و سست می‌کند. (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۳۹، ص ۶۴۴)

از نظر سازمان بهداشت جهانی وابسته به سازمان ملل، اعتیاد چنین تعریف شده است: «اعتیاد عبارت است از یک حالت مزمن (در اثر تکرار مصرف مواد مخدر یا دارو) که دارای مشخصات چهارگانه‌ی زیر می‌باشد:

الف) در اثر مصرف مکرر مواد یا دارو، عادت روحی و روانی ایجاد شود و این عادت فرد را به علت نیاز و تمایل روانی به سوی مصرف مواد مخدر یا دارو به حد وسواس، تشویق و ترغیب نماید.

ب) برای نگره‌داری اثری که منظور و مطلوب معتاد است، مقدار مصرفی مرتباً رو به افزایش رود.

ج) در اثر قطع مواد مخدر یا دارو، علائم خاصی در بیمار (معتاد) ظاهر می‌گردد (آن علائم بستگی به نوع مواد مخدر یا داروی مصرفی دارد مانند تشنج در قطع بیتوریت‌ها، لرزش و درد عضله‌ای در تریاک و مشتقات آن)

د) اعتیاد به مواد مخدر یا دارو برای فرد یا جامعه زیان آور باشد. (دانش، ۱۳۷۳، ص ۲۲۲)

اعتیاد به مواد مخدر یکی از حالت‌ها و زمینه‌هایی است که فرد را به نابودی می‌کشاند و متعاقب آن، اجتماع را به تباهی سوق می‌دهد. اهمیت موضوع وقتی است که این کار از ناحیه اطفال یک جامعه صورت گیرد و توجه خاص و بسیج عمومی زمانی به صورت جدی لازم می‌آید که اکثریت افراد یک جامعه - یعنی کودکان - در معرض خطر باشند.

کودکان در خصوص جرایم مواد مخدر نیز همانند سایر انحرافات و جرایم اجتماعی دیگر از دو دیدگاه بزه‌کاری و بزه‌دیدگی قابل مطالعه و بررسی می‌باشند. بزه‌کاری کودکان در مواد مخدر همانند بزه‌کاری بزرگسالان می‌باشد و تفاوت چندانی بین آن‌ها از ناحیه ارتکاب بزه نیست هر چند از ناحیه مجازات متفاوت می‌باشند. البته بزه‌کاری کودکان از موضوع این تحقیق خارج است، از این رو عمده بحث بر جنبه دیگر یعنی بزه‌دیدگی کودکان در جرایم مواد مخدر متمرکز می‌گردد.

همان طور که در قرآن آمده است: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»<sup>۱</sup> (بقره، ۱۹۵) اعتیاد به مواد مخدر یکی از بزرگترین مصادیق هلاکت و نابودی است که در آیه شریفه از آن نهی شده است.

از آن جایی که بحث اعتیاد به مواد مخدر از مسائل مستحدثه می‌باشد، در کتب فقهی مورد بحث قرار نگرفته است اما با مراجعه به استفتائات فقهاء می‌توان بیان نمود که اعتیاد به آن حرام و معامله این مواد باطل می‌باشد. (ر ک: خمینی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۷۵؛ مکارم شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۵)؛ حضرت آیت الله سبحانی نیز در این باره می‌فرماید: کاشت و تولید مواد مخدر و حمل و نگهداری آن و خرید و فروش و مصرف آن و همکاری با قاچاقچیان مواد مخدر و نیز تولید و فروش و مصرف قرص‌های روان گردان، کار حرام و معاملاتی که روی آن انجام می‌گیرد باطل است و در حقیقت این مورد مشمول ضابطه ای است که از امام صادق «علیه السلام» نقل شده است: «أما وجوه الحرام من البيع و الشراء فكل أمر يكون فيه الفساد مما هو منهى عنه» (سبحانی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۷۱)

اما از نظر حقوقی، معتاد کردن کودکان ممکن است به دو صورت انجام پذیرد:

۱. «خود را به دست خود به هلاکت نینفکنید»

۱. معتاد کردن کودکان به صورت مستقیم: به این معنا که شخص بزرگسالی مستقیماً و بلاواسطه، به انگیزه و به قصد معتاد کردن کودک باعث اعتیاد وی به مواد مخدر یا مواد روان گردان گردد. این شیوه اغلب توسط قاچاقچیان، معتادان بزرگسال و همسال صورت می پذیرد. معتادان بزرگسال علاوه بر اشخاص بیگانه شامل والدین یا سرپرستان قانونی کودکان می باشند که به قصد ارضای مطامع مالی، جنسی و... به نحو عالماً یا جاهلاً، کودکان خویش را معتاد می نمایند. (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰؛ بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰)

در حقوق ایران نیز، با امان نظر بر مقررات داخلی و بین المللی موجود، می توان اذعان داشت که معتاد کردن اطفال جرم تلقی شده است؛ حمایت تقنینی موصوف در قوانین داخلی، در ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب سوم آبان ۱۳۶۷ - مجمع تشخیص مصلحت نظام) پیش بینی گردیده است که این قانون مقرر می دارد: «هرگاه محرز شود که شخصی با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به مواد مخدر مزبور بر ماده ۸ شده است برای بار اول به پنج تا ده سال حبس و برای بار دوم به ده تا بیست سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد» کاملاً واضح است که واژه «دیگری» مذکور در صدر این ماده، عام بوده و شامل اطفال نیز می شود.

هم چنین تبصره ۲ این ماده مؤید نظر فوق می باشد چراکه - با توجه به این که گروه عمده جمعیت اطفال، دانش آموز محسوب می شوند - در آن آمده است: در صورتی که مرتکب عضو خانواده خود یا دانش آموز یا دانشجو یا افراد نیروهای نظامی و انتظامی را معتاد کند بار اول به ده تا بیست سال حبس و انفصال از خدمت دولتی و بار دوم به اعدام محکوم خواهد شد.

۲. معتاد کردن به شیوه غیر مستقیم: یعنی علل و عوامل اعتیادزایی که به صورت غیر مستقیم و با واسطه به کشیده شدن اطفال به اعتیاد منجر می گردد زیرا اطفال به عنوان افراد آسیب پذیر می توانند با نامناسب بودن بسترهای پرورشی خیلی زود و به راحتی به اعتیاد روی آورند. از جمله این بسترهای نامناسب وضعیت خانواده و از هم گسیختگی خانواده مانند طلاق والدین و عدم سرپرست و مراقبت می باشد. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱)

در خصوص معتاد کردن اطفال به شیوه غیر مستقیم توسط والدین نیز حمایت تقنینی پیشگراانه در قالب «اقدام تأمینی سالب حق، پیش بینی گردیده است؛ ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند». بنابراین اعتیاد زیان آور والدین به مواد مخدر یکی از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والدین تلقی گردیده است.

کودکان و نوجوانانی که ناخواسته در مسائل ناشی از اعتیاد پدر و مادر خود در خانواده درگیر شوند، در معرض ارتکاب جرائم مختلف هستند و سرنوشتی چون گرفتار آمدن در رده کودکان و نوجوانان نابهنجار یا بزهکار در انتظار آنهاست. عوامل جرم‌زا می‌توانند در زمینه بزهکاری آنان، بیشترین تأثیر را داشته باشند. (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷)

## ۲-۳. حمایت از بزه‌دیدگی جنسی کودکان

جرائم منفی عفت از جمله جرایمی است که آمار آن نخست متوجه کودکان می‌باشد و قربانیان این جرایم علاوه بر زنان، کودکان اعم از دختر و پسر می‌باشند زیرا کودکان را به راحتی می‌توان اغفال نمود و آنان را مورد توجه جنایت‌کاران و منحرفان جنسی قرار داد. بنابراین مجرمان اصلی این جرایم با استفاده از ضعف و بی‌اطلاعی کودکان، از آنان سوء استفاده نموده و موجب هتک حرمت فردی و اجتماعی آنها می‌شوند.

در جوامع امروزی به علت ضعف و سقوط اخلاقیات به خصوص در جوامعی که با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، همراه است به همان نسبت که در زمینه علمی و صنعتی پیشرفت کرده‌اند، از نظر فرهنگ و اخلاق سقوط کرده و میزان فساد و فحشا در این جوامع رو به افزایش است.

هر چند از نظر جرم‌شناسی به جرایم جنسی چون زنا و لواط، اساساً «جرایم بدون بزه دیده» اطلاق می‌گردد لیکن زمانی که این جرایم علیه اطفال ارتکاب می‌یابد سیاست جنایی ایجاب می‌نماید که از اطفال قربانی این گونه روابط جنسی حمایت شود. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳)

## ۲-۳-۱. زنا با کودک

زنا یکی از قبیح‌ترین اعمال منفی عفت و مختل‌کننده نسل‌های بشری در نظام اجتماعی است؛ در تعریف زنا گفته شده است: «عبارت است از نزدیکی با زنی در صورتی که عقد مزاجت اعم از دائمی یا انقطاعی یا شبهه عقد یا ملک یمین در بین نبوده باشد» (علامه حلی، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۳۹۵) ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی هم در تعریف زنا مقرر می‌دارد: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد»

در مورد حد زنا با کودک - در صورت عدم اجتماع شرایط احصان - در فقه امامیه آمده است: اگر مرد بالغ غیر محصن با دختر غیر بالغی زنا کند بر وی بیشتر از تازیانه نیست و رجم نمی‌شود. (مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۷۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۴۴) اما اگر شرایط احصان جمع بود دو نظریه مطرح می‌باشد: بعضی از فقهاء با استناد به برخی از روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۸۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۸۳) قائل هستند که در این صورت جلد ثابت است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۶۹۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۱۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۰؛ لنگرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰) و بعضی قائل هستند که در این صورت رجم ثابت است. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۴۳؛ نجفی، ۱۸۹۰، ج ۴۱، ص ۳۲۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۲۷۱؛ خوئی، ۱۴۱۰، ج ۴۱، ص ۲۴۱)

اما از دیدگاه حقوقی، تبصره ۲ ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد» و با توجه به ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی که حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه را رجم می‌داند و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد، هرگاه مرد محصن با دختر نابالغ مرتکب زنا شود عمل او مستوجب رجم بوده و هرگاه محصن نباشد مجازات او صد تازیانه است.

با توجه به آنچه بیان گردید، ملاحظه می‌شود از نظر فقها بلوغ یا صغر بزه‌دیده موجب تفاوت در مجازات این جرم می‌شود و حال آن‌که در قانون از این حیث، همه را یکسان مورد حکم قرار داده و عمومات آن شامل مزنی بها حتی در صورت صغر هم می‌شود. اما در قانون مجازات مرد محصن و غیر محصن متفاوت است و اگر مرد شرایط احصان را داشته باشد عمل او مستوجب رجم است و اگر غیر محصن باشد مجازات او صد تازیانه است و در فقه نیز در این مورد دو نظریه بود که بیان شد.

## ۲-۳-۲. لواط با کودک

لواط در لغت از ماده لاط به معنی چسبیدن است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۶۳) و مراد از آن در اصطلاح فقهی وطی دو مذکر با هم است. (ر ک: شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۱۱) و بر اساس ماده ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی «لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است» بنابراین در حقوق ایران، برابر متون معتبر فقهی، بزه‌دیده این جرم تنها می‌تواند طفل مذکر باشد زیرا نزدیکی کردن با دختر صغیر - اعم از قبل و دبر - زنا محسوب می‌شود نه لواط.

این فعل از زشت‌ترین و قبیح‌ترین اعمال به شمار می‌رود و فساد آن از مفساد زنا در جامعه بشری بیشتر است و به همین جهت کیفر و مجازات آن از زنا در شریعت اسلام زیادتر و سخت‌تر است (اباذری فومشی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹) امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «حرمت لواط بزرگتر از حرمت زنا است، به درستی که خداوند متعال به جهت حرمت لواط قومی را هلاک کرد و از بین برد، در صورتی که یک نفر را به سبب حرمت زنا هلاک نگردانید. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۴۴)

در جرایم جنسی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابند، می‌توان ادعان داشت لواط، زشت‌ترین آن است چراکه موجب بروز صدمات جسمی و روحی به کودک می‌شود و به خاطر این صدمات جسمانی و روانی که بر کودک وارد می‌سازد، در فقه و حقوق ایران کیفرهای سخت و قاطعی برای مرتکب آن قانونگذاری شده است.

از نظر فقهی اگر مرد بالغی با پسر غیر بالغی لواط کند بر آن مرد حد کامل است و کودک تأدیب می‌شود و اگر صبی با مرد بالغی لواط کند، صبی تعزیر می‌شود و مفعول (مرد بالغ)، حد کامل دارد و اگر صبی با صبی لواط کند هر دو تأدیب می‌شوند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۰۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۳۰۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۶۶؛ خوئی، ۱۴۱۰، ج ۴۱ ص ۲۸۳) دلیل بر وجوب اجرای حد بر فرد بالغی که با کودک عمل لواط انجام داده، روایاتی است که در حد استفاضه می‌باشند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۹۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۵۹)

البته در مورد شرطیت احسان بین فقها دو قول مطرح است و برخی احسان از شرایط لازم نمی‌دانند (شهید اول، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ص ۳۱۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۳۰۷) و برخی آن را لازم می‌دانند و بیان داشته‌اند که و غیر محسن کشته نمی‌شود و در مورد او فقط جلد ثابت است (ر ک: خوئی، ۱۴۱۰، ج ۴۱، ص ۲۸۰)

اما از دیدگاه حقوقی، ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احسان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است و حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احسان) اعدام است». البته این مجازات مربوط به شخص بالغ است و نابالغ مجازات نمی‌شود و به اقدامات تامینی و تربیتی محکوم می‌گردد.

بنابراین در نظر مشهور فقهاء و قانون مجازات اسلامی، مجازات این عمل اعدام تعیین شده و میان محسن و غیر محسن هم قائل به تفاوت شده‌اند به این صورت که فاعل در صورت دارا بودن شرایط احسان، اعدام می‌شود و اگر فاقد این شرایط بود به صد ضربه شلاق محکوم می‌شود.

## ۲-۳-۳. ازدواج با کودک

ازدواج یک ضرورت اجتماعی محسوب می‌شود اما در مواردی از نظر اجتماعی، به سوء استفاده جنسی و استثمار کودک منتهی می‌گردد؛ بر اساس نظر فقهای امامیه ولی قهری می‌تواند برای دختر صغیره و یا دختر مجنون و یا پسر خود نکاح نماید و فرقی نمی‌کند که دختر صغیره باکره باشد یا آن که با وطی و یا غیر آن، از او ازاله بکارت شده باشد. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۳۳؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۹، ص ۱۷۲) این حکم مستند به روایات متعددی است که در این خصوص مطرح شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۷۷)

اما به رغم جایز دانستن تزویج کودک از سوی ولی قهری، فقهاء واقعه با صغیره را حرام دانسته‌اند و در صورتی که منجر به افضاء شود زن بر شوهر حرام موبد شده و دیه کامله نیز بر عهده زوج ثابت می‌شود. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۶۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۸۱۱) در این مورد (صورتی که دختر افضاء شود و دیه کامل ثابت می‌شود) نظر فقها را بررسی می‌کنیم که در این مساله دو نظریه است:

البته آیت الله خوئی در این باره می‌نویسد: «در افضاء زن زمانی که افضاء کننده اجنبی باشد دیه کامل ثابت است؛ اما اگر مفضی همسرش باشد و در حالی که نه ساله است وی را افضاء کند پس چیزی بر وی نیست و اگر قبل از نه سال وی را افضاء کند اگر وی را طلاق دهد بر وی دیه ثابت است و اگر آن زن را نگه داشت و طلاق ندارد چیزی بر وی نیست؛ دلیل بر این قول صحیح حمران از امام صادق «علیه السلام» و مؤید آن روایت برید بن معاویه از امام صادق «علیه السلام» تأیید می‌باشد. (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۴۲، ص ۴۵۷)

از نظر دیدگاه حقوقی، در سال ۱۳۶۱ به موجب پیش‌نویس لایحه، راجع به اصلاح بعضی از مواد قانون مدنی پیشنهاد اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تقدیم مجلس گردید و ماده مزبور بدین شرح اصلاح شد: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است؛ البته عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است، به شرط رعایت مصلحت مولی علیه»

طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در سال ۱۳۸۱ تقدیم مجلس شد؛ در مقدمه طرح ارائه شده چنین آمده بود: «این ماده باعث بروز ناهنجاری‌هایی در امر ازدواج دختران و پسران خصوصاً از جنبه‌های سلامت جسمی و متلاشی شدن کانون خانوادگی بعد از رسیدن به سن بلوغ گردیده است و اثرات نامطلوبی در تشکیل زندگی خانوادگی باقی گذارده است. این قانون نه تنها در محافل بین‌المللی موجب ایجاد مشکلات عدیده برای نظام جمهوری اسلامی شده، بلکه موجب سوء استفاده افراد غیر صالح گشته و در واقع اصل اختیار را که در عقد نکاح از شروط اساسی است، مخدوش می‌نماید و خارج از اختیار و اراده دختران و پسران جوان، آثار زوجیت را بر آنان تحمیل می‌نماید که اثرات سوء آن پس از رشد، بر جسم و روان آنان باقی می‌ماند» (نائینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷۴)

سرانجام به موجب اصلاحیه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به تاریخ ۷۹/۹/۲۷ مجلس شورای اسلامی و مصوب ۸۱/۴/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر گردید: «عقد نکاح دختر، قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی، منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح؛ در جهت ضمانت اجرای کیفری و ممانعت از ازدواج کودکان، ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی متذکر می‌گردد: «ازدواج قبل از بلوغ بدون ولی ممنوع است؛ چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده، بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد»

در تفسیر این ماده آمده است:

- ۱) عنصر مادی این جرم، ازدواج با دختر صغیر است.
- ۲) عنصر معنوی این جرم، سوء نیت عام است.
- ۳) اگر زنی با پسر نابالغ ازدواج کند مشمول این ماده نمی‌شود هر چند اذن ولی برای ازدواج پسر صغیر و دختر صغیره لازم است.

۴) ازدواج مذکور در این ماده، اعم از ازدواج دائم و موقت است. (زراعت، ۱۳۷۷، ص ۳۷۹)

در نتیجه از نظر فقهاء ازدواج با دختر صغیره جایز است اما واقعه با وی حرام است و از نظر قانون مجازات اسلامی عقد نکاح دختر قبل از ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح که در قانون برای آن ضمانت اجرایی نیز در نظر گرفته شده است.

## ۲-۳-۴. قذف به کودک

قذف در لغت به معنای پرتاب کردن چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۱۷) و در اصطلاح فقها نسبت دادن شخص دیگری را به زنا یا لواط قذف می‌گویند. (ر ک: محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۶۵؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۹۲)

قذف از گناهان کبیره است و حد آن هشتاد ضربه شلاق است (لنکرانی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۹) و مستند آن کتاب (نور، ۴)، سنت (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۷۵) و اجماع (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۵) است؛ حتی در مورد کودکان می‌توان اتهام و افتراهای جنسی زدن به کودک را نوعی آزار عاطفی او به شمار آورد. چراکه هر نوع تهمت دروغ، موجباتی برای لطمه زدن به عواطف و هیجانات و احتمالاً خود پنداری مثبت کودک ایجاد می‌کند. (ساکی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۱)

در شخصی که قذف شده (مقذوف) احصان شرط است و احصان عبارت است از بلوغ، کمال عقل، حریت، اسلام و عفت؛ پس کسی که همه این شرایط را داشته باشد به خاطر قذفش حد واجب است و کسی که فاقد این شرایط باشد یا این‌که بعضی از این شرایط را نداشته باشد حدی بر قاذف نیست و تعزیر ثابت است مانند کسی که کودکی یا مملوک یا کافر و یا کسی که متظاهر به زنا باشد را قذف کند. (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۰۵)

بر اساس روایات هم اگر مردی کودکی را قذف کند فقط تعزیر می‌شود و بر قاذف حدی جاری نمی‌شود و هم‌چنین اگر کودکی مردی را قذف کند حدی بر وی نیست بلکه تعزیر می‌شود. (ر ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۸۵)

از منظر حقوقی، ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیر متظاهر به زنا یا لواط باشد».

بر اساس تبصره یک ماده مذکور «هرگاه قذف شونده، نابالغ، مجنون، غیر مسلمان یا غیر معین باشد قذف کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود لکن قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد».

البته شرط بلوغ، عقل، اختیار و قصد برای قذف کننده یک امر طبیعی و مطابق با قواعد حقوقی است زیرا قذف نیز یکی از جرایم عادی است و مرتکب باید شرایط سایر مجرمان را داشته باشد؛ اما شرط بلوغ و عقل برای قذف شونده، مخالف قواعد حقوقی می‌باشد و مهم‌ترین مستند آن را روایت‌های شرعی بیان کرده‌اند. (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۴۰۹)

## ۲-۴. حمایت در برابر جرایم علیه هویت کودک

هویت به عنوان ویژگی یا کیفیتی قلمداد می‌شود که موجب تمایز و شناسایی فرد از دیگران می‌شود. احترام به هویت کودک و تلاش برای حفظ آن در بسیاری از اسناد بین‌المللی و از جمله کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی نیز با جرم‌انگاری رفتارهایی که هویت کودک را به مخاطره می‌اندازد به حمایت از

هویت کودک پرداخته است؛ در قوانین کیفری اسلام نیز در مورد بعضی از این مسائل مانند کودک ربایی مباحثی مطرح شده است.

## ۲-۴-۱. ربودن و اختفاء کودک

آزادی یکی از بارزترین حقوق مسلم همه انسان‌ها و از جمله کودک است که همواره مورد توجه بوده است. یکی از انواع آزادی در مورد کودکان آن است که بر اساس آن، کودکان می‌توانند هر کجا که بخواهند بروند، بیایند و کسی هم مزاحم آن‌ها نشود و راه را بر آن‌ها نبندد و آن‌ها را از رفت و آمد باز ندارد مگر در مواردی که فقه و قانون مقرر کرده است.

این نوع آزادی از دیرباز به ویژه در احکام و مقررات دین مبین اسلام مورد حمایت بوده و امروزه نیز در اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف، به شیوه‌های گوناگون بیان شده و تضمین‌هایی نیز برای حفظ و رعایت آن منظور کرده است، ولی متأسفانه به رغم اهمیت و حساسیت آن و نیز به رغم حمایت‌ها و تضمین‌های حقوقی، قانونی، مذهبی و اخلاقی از آن، همیشه مورد تعرض بوده است. (ناصر زاده ۱۳۷۳، ص ۱۹) به گونه‌ای که گاه و بی‌گاه، شاهد تجاوز به آزادی جسمانی کودکان به شیوه‌های گوناگون می‌باشیم که بارزترین آن در قالب «کودک ربایی و قاچاق وی» نمود پیدا می‌کند.

در مباحث فقهی، مسائل ربوده شدن انسان به صورت‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است که دو صورت از مهم‌ترین آن صور بدین قرار است:

صورت اول: اگر کودک صغیری دزدیده شود و سارق او را نفروشد، بیشتر فقهاء نظرشان بر آن است که مرتکب تعزیر می‌شود (ر ک: علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۵۷۴؛ سبزواری، ۱۳۹۰، ج ۲۸، ص ۸۳؛ لنکرانی، ۱۴۱۳، ص ۵۴۸) البته برخی هم قائل به قطع دست سارق شده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۶۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۹۹)

صورت دوم: سارق کودک یا فرد بالغی را برباید و او را بفروشد یا غیر از فروش، در اختیار دیگری قرار دهد. در این فرض بیشتر فقهاء به دلیل اخبار مستفیضه (ر ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۳) قائل به قطع دست مرتکب شده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۵۷۴؛ سبزواری، ۱۳۹۰، ج ۲۸، ص ۸۳) هرچند که برخی هم قول به تعزیر را انتخاب نموده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۸۳)

اما در حقوق موضوعه دو گروه مورد بررسی قرار گرفته است: اولین گروه از بزه‌دیدگان جرم ربودن و اختفاء کودکان، کودکان تازه متولد شده می‌باشند که عناصر متشکله این جرم عبارتند از:

۱. عنصر قانونی: ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کسی طفلی که تازه متولد شده است را بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید، به شش ماه تا سه سال حبس

محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد» بنابراین ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی برای این جرم ضمانت اجرایی حبس و جزای نقدی در نظر گرفته است.

۲. عنصر مادی: عنصر مادی این بزه، افعال مادی و مثبت ربودن، مخفی کردن، قلمداد نمودن و متعلق دانستن تقلبی اطفال تازه متولد شده (مسلم الحیات، مسلم المتوفی و مشکوک الحیات) می‌باشد. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸)

جرائم دزدیدن و یا اخفای طفل متولد شده، از ناحیه هر کس حتی پرستاری که اطفال در اختیار آنها هستند امکان پذیر است مگر والدین، ولی قلمداد کردن طفل به جای طفل دیگری و یا متعلق به زن دیگری، از سوی والدین طفل نیز متصور است. (آقای نی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴) بنابراین این فعل مادی (ربودن و مخفی نمودن) از ناحیه هر کس که کودک در اختیار وی است امکان پذیر خواهد بود.

۳. عنصر معنوی: عنصر معنوی جرم ربودن و اختفاء کودک تازه متولد شده سوء نیت عام است؛ البته در برخی از جرائم علاوه بر سوء نیت عام، سوء نیت خاص نیز وجود دارد ولی برای تحقق این جرم سوء نیت عام کفایت می‌کند. (ر ک: بیگی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰)

گروه دیگر از بزه‌دیدگان جرم ربودن و اختفاء کودکان، کودکان کمتر از ۱۵ سال می‌باشند که عناصر متشکله جرم ربودن و اختفاء این کودکان عبارت‌اند از:

۱. عنصر قانونی: ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر، به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر، شخصا یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد».

صرف سن مجنی علیه (کمتر از پانزده سال تمام) در مورد هر دو عنوان مجرمانه آدم ربایی و اخفا موجب تشدید است و اقدام یا نتیجه دیگری در این مورد برای تشدید لازم نیست. (آقای نی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲)

۲. عنصر مادی: عنصر مادی بزه مورد بحث عبارت است از ارتکاب فعل مادی مبنی بر ربودن و اختفاء کودک به قصد دریافت وجه یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری مانند گرفتن طلا و جواهرات آنها که این افعال ممکن است به صورت حیله یا به هر نحو دیگری صورت بگیرد.

۳. عنصر معنوی: جرم ربایش کودکان کمتر از ۱۵ سال همانند جرم ربایش کودکان تازه متولد شده از جرائم عمدی می‌باشد و عنصر معنوی این جرم، سوء نیت عام است و لذا عنصر معنوی این جرم عبارت است از این که شخصی به عنوان کودک ربا با قصد مجرمانه و سوء نیت عام آن طور که در مستندات قانونی این جرم آمده است، به قصد مطالبه وجه یا مال یا

به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله شخصاً یا توسط دیگری، این قبیل کودکان را برباید یا مخفی نماید.

در نتیجه مشهور فقها در مورد ربودن کودک به شرط عدم فروش آن قائل به تعزیر هستند اما اگر سارق کودک را بفروشد بر اساس نظر اکثر، مجازات وی قطع دست است؛ در قانون نیز ربودن و اختفاء کودکان ممنوع بوده و برای مجازات حبس و هم‌چنین جزای نقدی در نظر گرفته شده است.

## ۲-۴-۲. رها کردن کودک

بشر به طور طبیعی و ذاتی، فرزندان خود را دوست دارد و به آنها عشق می‌ورزد و نگهداری از کودک، حق و تکلیف طبیعی و فطری پدر و مادر است که او را به دنیا آوردند و هر گونه مطلبی که در راستای رها کردن کودک باشد، ممنوع است؛ خداوند می‌فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ»<sup>۱</sup> (بقره، ۲۳۳) و بدیهی است که رها کردن کودک توسط پدر و مادر، موجب ضرر بر اوست که به طور التزامی، این آیه آن را نفی و منع نموده است.

روایات بسیاری درباره اصل استحقاق والدین بر حضانت و نگهداری کودک و تعیین مسئولیت هر کدام وارد شده است (ر ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱ ص ۴۷۲) عقل نیز تشخیص می‌دهد که کودک در این برهه از حیات خویش به شدت نیازمند حفاظت و نگهداری است و باید این خواسته از جانب پدر و مادر که نسبت به دیگران، با او مهربان‌تر و شفقت بیشتری دارند به ویژه مادر، رعایت گردد. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۲۸۴)

قانون‌گذار نیز از کودکان در قبال این نوع بزه‌دیدگی حمایت کرده است. ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق، حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد» عنصر مادی این جرم، رها کردن طفل یا شخص ناتوان است و عنصر معنوی این جرم، سوء نیت عام می‌باشد. صدمه و آسیب اعم از صدمه و آسیب روحی و جسمی است که در هر صورت رابطه میان رها کردن و صدمه باید برای دادگاه محرز باشد. (زراعت، ۱۳۷۷، ص ۳۴۱)

بنابراین در صورتی که رها کردن سبب وارد شدن صدمه یا آسیب به اطفال شود ولی عمدی در کار نباشد علاوه بر حمایت کیفری حبس، دیه نیز ثابت است و در صورتی که رها کردن کودک سبب وارد شدن صدمه به کودک شود ولی رها کننده در فعل خود تعمد نداشته باشد و دیه هم به آن تعلق نگیرد علاوه بر مجازات حبس، ارش نیز ثابت است؛ و در صورتی

۱. «هیچ کدام از پدر و مادر حق ندارند به کودک ضرر بزنند»

که رها کننده در اقدام خود نسبت به صدمه و آسیب به کودک تعمد داشته باشد علاوه بر حمایت کیفری حبس یا جزای نقدی، حمایت کیفری قصاص نفس نیز تعیین خواهد گردید. (ر ک: بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶)

در نتیجه بر اساس آیات و احادیث رها کردن چون موجب ضرر به کودک است مورد نهی و منع قرار گرفته است و در قانون مجازات اسلامی نیز برای آن ضمانت اجرایی مجازات حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شده است و اگر موجب آسیب جسمی به کودک شود در صورت تعمد قصاص نفس ثابت است و اگر عمدی در کار نباشد، علاوه بر مجازات حبس و جزای نقدی دیه نیز ثابت است.

## ۵-۲. حمایت در برابر جرایم مستحدثه علیه کودک

برخی از حمایت‌هایی که از کودکان صورت می‌پذیرد، به دلیل جدید بودن موضوعات و برخی از جرایم مربوط به آن، در فقه به طور صریح مورد بررسی قرار نگرفته و فقهاء به آن نپرداخته‌اند ولی قانون‌گذار جمهوری اسلامی آن‌ها را مورد توجه قرار داده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. جرایم مرتبط با ثبت ولادت کودک: قانون سبج احوال مصوب ۱۳۵۵، عدم اعلام واقعه ولادت کودک را پیش‌بینی کرده است که به موجب ماده ۱۶ اعلام و امضاء ثبت ولادت به ترتیب بر عهده اشخاص زیر خواهد بود: پدر، مادر، مادر یا جد پدری که از طرف دادگاه به سمت ولایت انتخاب شده باشند، وصی یا قیم یا امین، اشخاصی که قانوناً عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند، متصدی یا نماینده موسسه‌ای که طفل به آن‌جا سپرده شده است.

مطابق ماده ۴۸ این قانون در قبال عدم اعلام واقعه ولادت کودک توسط مرتکبان موصوف، علاوه بر الزام به انجام وظیفه (اعلام واقعه ولادت کودک)، جزای نقدی از دویست و یک تا پنج هزار ریال معین گردیده بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اصلاح قانون ثبت احوال ۱۳۵۵ مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۸، نسبت به جرم مورد بحث، تنها یک تغییر ایجاد نمود و آن این که قانون‌گذار، از عدم اعلام واقعه ولادت توسط مادر در موقعی که از طرف دادگاه این مسئولیت به وی واگذار گردید، جرم زدایی نمود و عدم اعلام واقعه ولادت کودک توسط جد پدری را هم ردیف پدر، جرم تلقی نموده است.

۲. قاچاق کودکان: امروزه قاچاق انسان به قصد فساد و فحشاء از شکل سنتی آن خارج شده و به شکل «برده داری جنسی جدید» در سطح بین الملل مطرح شده است. سازمان ملل متحد به منظور حمایت از کودکان برای نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۸۹، بهره‌کشی جنسی از اطفال را منع نموده و در مقام حمایت از کودکان برآمده و به دول عضو توصیه نموده است که تمام کشورهای طرف این کنوانسیون متعهد گردند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده جنسی از کودکان حمایت کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز که در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق گردیده است. (عباچی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰)

۳. کار اجباری و به کار گماردن کودک: یکی دیگر از مصادیق شایع سوء استفاده از کودکان، استثمار اقتصادی آنان می‌باشد.<sup>۱</sup> از آن جایی که کار کردن در سنین پایین، آثار جبران‌ناپذیری را برای کودک ایجاد می‌نماید، محدودیت‌هایی در راستای ممانعت از اشتغال کودکان در نظر گرفته شده است. قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۷۹، حداقل سن شروع به کار در کارهای عادی را ۱۵ سال تمام مقرر نمود. قانون‌گذار به کارگران کودک با نگاه حمایتی نگریده و در ماده ۸۲ قانون کار، ساعات کار آن‌ها را سی دقیقه کمتر از ساعات کارگران بزرگسال تعیین نموده است.

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در تکمیل حمایت‌های خود از کارگران کودک، ضمن ماده ۸۳ قانون کار مقرر می‌دارد: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان، ممنوع است»

همچنین ماده ۸۴ قانون کار در جهت حمایت از نوجوانان مقرر می‌دارد: «از مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود؛ تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است»

### ۳. نتیجه‌گیری

در فقه و حقوق ایران در مورد حقوق معنوی کودک حمایت‌های زیادی صورت گرفته است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. فقهاء تکدی‌گری برای کسی که توانایی انجام کار را دارد حرام دانسته‌اند و بر اساس قانون، «هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد، سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است، محکوم خواهد شد»

۲. با مراجعه به استفتائات فقهاء می‌توان بیان نمود که اعتیاد به مواد مخدر حرام و معامله این مواد باطل می‌باشد؛ در حقوق ایران نیز، با امعان نظر بر مقررات داخلی و بین‌المللی موجود، معتاد کردن اطفال به نوعی جرم تلقی شده، و لذا از این نوع بزه‌دیدگی اطفال (معتاد کردن اطفال به شیوه مستقیم) حمایت تقنینی به عمل آمده است.

۳. نظر مشهور فقهاء در مورد زناي مرد بالغ - چه محصن باشد و چه غیر محصن - این است که اگر مردی با دختر غیربالغی زنا کند، محکوم به حد است و رجم بر وی نیست؛ البته بعضی از فقهاء قائل هستند که اگر مرد دارای شرائط احصان

---

۱. بنا به گزارش دفتر نمایندگی یونسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) در ایران نیز حدود ۱/۳ درصد کودکان بین سنین ۶ تا ۱۴ سال به کار اشتغال دارند. این رقم برای مناطق شهری حدود ۲/۴ درصد و برای مناطق روستایی ۵ درصد است. هم‌چنین در مناطق روستایی بیش از ۱۰ درصد از دختران و ۱۷ درصد از پسران، بیش از ۷ ساعت در روز کار می‌کنند. در گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۴ سال تعداد دخترانی که در خانه یا برای کسب درآمد مشغول به کار هستند دو برابر پسران است. در مناطق روستایی تعداد دخترانی که از این گروه سنی درآمدی به خانه می‌آورند یا در خانه کار می‌کنند سه برابر پسران است. (ر ک: بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹؛ عراقی، ۱۳۶۷، ص ۳۹۵)

باشد، محکوم به رجم است. در قانون نیز آمده است که هرگاه مرد محصن با دختر نابالغ مرتکب زنا شود، عمل او مستوجب رجم است.

۴. در خصوص مجازات لواط نیز به موجب فتاوی برخی از فقهای اسلامی، در اعدام وطی کننده، احصان از شرایط لازم می‌باشد و مطابق نظر گروهی دیگر احصان و عدم احصان مرتکب، تأثیری در حد لواط نداشته و مجازات آن قتل می‌باشد؛ اما بر اساس قانون مجازات اسلامی، میان محصن و غیر محصن قائل به تفاوت شده و مجازات هر دو را یکسان قرار نداده است.

۵. فقهاء به رغم جایز دانستن تزویج کودک از سوی ولی قهری، واقعه با صغیره را حرام دانسته‌اند و در صورتی که منجر به افضاء شود زن بر شوهر حرام موبد شده و دیه کامله نیز بر عهده زوج ثابت می‌شود؛ بر اساس قانون عقد نکاح دختر، قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر، قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

۶. قذف کودک هم در فقه و هم در حقوق موجب تعزیر خواهد بود.

۷. جرم ربودن و اختفاء کودک در فقه، صورتهای مختلفی دارد به این صورت که اگر سارق، او را بفروشد نظریه تعداد بسیاری از فقها این است که مرتکب به آنچه حاکم شرع مصلحت بداند، تعزیر می‌گردد و اما اگر سارق کودک را بفروشد، در مورد تعزیر مرتکب و قطع دست وی اختلاف است. در قانون نیز برای این مورد مجازات، حبس در نظر گرفته شده است.

۸. در مورد نهی از رها کردن کودک و حرمت آن، آیات و روایاتی وجود دارد و قانون‌گذار نیز از کودکان در قبال این نوع بزه‌دیدگی حمایت کرده است و برای آن ضمانت اجرایی قرار داده است.

۹. در مورد برخی از امور به دلیل آن‌که از مسائل مستحدثه می‌باشد - مانند عدم اعلام واقعه ولادت کودک، قاچاق کودکان، کار اجباری کودک - بحث فقهی استدلالی نشده است ولی عدم اعلام واقعه ولادت کودک در قانون، مرتکبان این جرم، محکوم به جزای نقدی شده‌اند و در زمینه قاچاق کودکان نیز ضمانت اجرای کیفری قرار داده شده و برای آن مجازات حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شده است؛ در مورد کار اجباری و به کار گماردن کودک، ضمن جرم تلقی کردن این مسأله در حقوق ایران، ضمانت اجرایی برای آن قرار داده شده است.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آقایی نیا، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)*، دوّم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶ ش.
۳. آل بحر العلوم، سیّد محمد، *بلغه الفقیه*، چهارم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۲ ش.
۴. ابازری فومشی، منصور، *شرحی بر قانون مجازات اسلامی*، اول، تهران، انتشارات خط سوّم، ۱۳۷۹ ش.
۵. ابن ادریس حلی، محمد بن أحمد، *السرائر*، سوّم، قم، مؤسسه اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن فارس، أحمد بن زکریا، *معجم مقاییس اللغه*، قم، مکتب الإعلام اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *مهذب البارع*، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۸. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، تحقیق و تصحیح: احمد فارسی، سوّم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۹. اسدی، لیلا سادات، *کودکان بزه کار و بزه دیده در حقوق ایران*، فصل نامه تخصصی فقه و حقوق خانواده ندای صادق، دانشگاه امام صادق «علیه السلام»، شماره ۳۰، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. امامی، سیّد حسن، *حقوق مدنی*، بی جا، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۱. انصاری، قدرت الله، *احکام و حقوق کودکان در اسلام*، اول، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار «علیهم السلام»، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. بیگی، جمال، *بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران*، اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. جُر، خلیل، *فرهنگ عربی - فارسی لاروس*، ترجمه: سیّد حمید طبیبیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، *معجم الصحاح*، دوّم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۲۸ ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، اول، قم، مؤسسه آل البيت «علیهم السلام»، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. حکیم، سیّد محمد حسین، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، ناشر: انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. خمینی، سیّد روح الله، *استفتائات امام خمینی*، اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.
۱۹. \_\_\_\_\_، *تحریر الوسیله*، اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
۲۰. خوانساری، سیّد احمد، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، دوّم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۴۰۵ ق.
۲۱. خوبی، سیّد ابوالقاسم، *مبانی تکمله المنهاج*، بیست و هشتم، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. دانش، تاج زمان، *الزام اطفال و نوجوانان بزه کار به کارهای عام المنفعه و حقوق طبیعی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۱، ۱۳۷۳ ش.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت نامه، ۱۳۳۰ ش.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داودی، اول، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. زراعت، عباس، *شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)*، اول، نشر فیض، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. \_\_\_\_\_، *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی حدود (جرایم منافی عفت)*، اول، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳ ش.
۲۷. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار المکتبه الحیاه، بی تا.
۲۸. ساکی، محمد رضا، *حمایت کیفری از حقوق بشر (جرم انگاری و ضمانت اجرا)*، اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲ ش.
۲۹. سبجانی، جعفر، *استفتائات حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی*، اول، مؤسسه امام صادق «علیه السلام»، ۱۳۹۴ ش.
۳۰. سبزواری، سیّد عبدالاعلی، *مهذب الأحکام*، چهارم، قم، مؤسسه منائر، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. شامیاتی، هوشنگ، *بزه کاری اطفال و نوجوانان*، دوّم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹ ش.

۳۲. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، **غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد**، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۴ق.
۳۳. \_\_\_\_\_، **موسوعه الشهید الاول**، قم، مرکز العالی للعلوم و الثقافه الإسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۳۴. شیخ طوسی، أبو جعفر محمد بن حسن، **تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه**، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. \_\_\_\_\_، **الخلاف**، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ق.
۳۶. \_\_\_\_\_، **المبسوط فی الفقه الإمامیه**، سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۸. شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، **المقنعه**، دوم، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۹. صادقی، محمد هادی، **حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)**، چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰ش.
۴۰. صفایی، سید حسین، **حقوق مدنی اشخاص و محجورین**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ش.
۴۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، **العروه الوثقی**، اول، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۴۱۴ق.
۴۲. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، سوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۴۱۶ق.
۴۳. عباچی، مریم، **حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد**، اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰ش.
۴۴. عراقی، عزت الله، **حقوق بین المللی کار**، اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، **تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه**، قم، موسسه الإمام الصادق «علیه السلام»، ۱۴۲۰ق.
۴۶. \_\_\_\_\_، **تذکره الفقهاء**، اول، قم، موسسه آل البيت «علیهم السلام»، لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۴۷. \_\_\_\_\_، **شرح تبصره**، ترجمه: زین العابدین ذوالمجدین، دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ق.
۴۸. \_\_\_\_\_، **قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
۴۹. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، هجدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.
۵۰. فاضل آبی، ابوطالب بن ابی المجد یوسفی، **کشف الرموز فی شرح المختصر النافع**، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
۵۱. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی، **کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام**، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۶ق.
۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۴. لنکرانی، محمد، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله**، اول، تهران، موسسه عروج، ۱۳۹۰ش.
۵۵. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین محمد بن حسن، **شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، اول، بیروت، دار الزهراء، ۱۴۰۹ق.
۵۶. محقق کرکی، علی بن حسن، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، دوم، بیروت، موسسه آل البيت «علیهم السلام»، لإحياء التراث، ۱۴۲۹ق.
۵۷. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر، **استفتانات جدید**، تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب «علیه السلام»، بی تا.
۵۹. موسوی، عافیة السادات، **بزه کاری اطفال و نوجوانان**، اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰ش.
۶۰. نائینی، احمد رضا، **مشروح مذاکرات قانون مدنی**، اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۶۱. نائینی، محمد حسین، **منیة الطالب**، نگارش: موسی نجفی خوانساری، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ق.
۶۲. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام**، هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۶۳. وزیری، مجید، **حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام**، اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴ش.